**( 15 )**

**بسم الذی بذکره یحیی قلوب الملأ الاعلی**

سبحانک اللهم یا الهی تشهد و تری کیف ابتلیت بین عبادک بعد اذ ما اردت الا الخضوع لدی باب رحمتک الذی فتحته علی من فی ارضک و سمآئک و ما امرتهم الا بما امرتنی و ما دعوتهم الا بما بعثتنی به و عزتک ما اردت بآن استعلی علی احد بشأن من الشئون و ما اردت ان افتخر علیهم بما اعطیتنی بجودک و افضالک لانی لا اجد یا الهی لنفسی ظهورا تلقآء ظهورک و لا امرا الا بعد اذنک و ارادتک بل فی کل حین نطق فؤادی یا لیت کنت ترابا تقع علیه وجوه المخلصین من احبآئک و المقربین من اصفیآئک لو یتوجه ذو اذن الی ارکانی لیسمع من ظاهری و باطنی و قلبی و لسانی و عروقی و جوارحی یا لیت یظهر منی ما تفرح به قلوب الذین ذاقوا حلاوة ذکر ربی العلی الاعلی و یصعد بندآئی احد الی جبروت امرک و ملکوت عرفانک یا من بیدک ملکوت البقآء و ناسوت الانشآء و ان قلت الی الی یا ملأ الانشآء ما اردت بذلک الا امرک الذی به اظهرتنی و بعثتنی لیتوجهن کل الی مقر وحدانیتک و مقعد عز فردانیتک و انت تعلم یا محبوب البهآء و مقصود البهآء انه ما اراد الا حبک و رضاک و یرید ان یطهر قلوب عبادک من اشارات النفس و الهوی و یبلغهم الی مدینة البقآء لیتحدوا فی امرک و یجتمعوا علی شریعة رضآئک و عزتک یا محبوبی لو تعذبنی فی کل حین ببلآء جدید لاحب عندی من ان یحدث بین احبآئک ما یکدر به قلوبهم و یتفرق به اجتماعهم لانک ما بعثتنی الا لاتحادهم علی امرک الذی لا یقوم معه خلق سمآئک و ارضک و اعراضهم عما سویک و اقبالهم الی افق عز کبریآئک و توجههم الی شطر رضآئک اذا انزل یا الهی من سحاب عنایتک الخفیة ما یطهرهم عن الاحزان و عن الحدودات البشریة لیجدن منهم الملأ الاعلی روآئح التقدیس و الانقطاع ثم ایدهم یا الهی علی التوحید الذی انت اردته و هو ان لا ینظر احد احدا الا و قد ینظر فیه التجلی الذی تجلیت له به لهذا الظهور الذی اخذت عهده فی ذر البیان عمن فی الاکوان و من کان ناظرا الی هذا المقام الاعز الاعلی و هذا الشأن الاکبر الاسنی لن یستکبر علی احد طوبی للذین فازوا بهذا المقام انهم یعاشرون معهم بالروح و الریحان و هذا من التوحید الذی لم تزل احببته و قدرته للمخلصین من عبادک و المقربین من بریتک اذا اسئلک یا مالک الملوک باسمک الذی منه شرعت شریعة الحب و الوداد بین العباد ان تحدث بین احبآئی ما یجعلهم متحدین فی کل الشئون لتظهر منهم آیات توحیدک بین بریتک و ظهورات التفرید فی مملکتک و انک انت المقتدر علی ما تشآء لا اله الا انت المهیمن القیوم

قلم اعلی میفرماید: ای دوستان حق مقصود از حمل این رزایای متواتره و بلایای متتابعه آنکه نفوس موقنه بالله با کمال اتحاد با یکدیگر سلوک نمایند بشأنیکه اختلاف و اثنینیت و غیریت از ما بین محو شود الا در حدودات مخصوصه که در کتب الهیه نازل شده انسان بصیر در هیچ امری از امور نقصی بر او وارد نه آنچه واقع شود دلیل است بر عظمت شأن او و پاکی فطرت او مثلا اگر نفسی لله خاضع شود از برای دوستان الهی این خضوع فی الحقیقه بحق راجعست چه که ناظر بایمان اوست بالله در اینصورت اگر نفس مقابل بمثل او حرکت ننماید و یا استکبار از او ظاهر شود شخص بصیر بعلو عمل خود و جزای آن رسیده و میرسد و ضر عمل نفس مقابل بخود او راجعست و همچنین اگر نفسی بر نفسی استکبار نماید آن استکبار بحق راجعست نعوذ بالله من ذلک یا اولی الابصار قسم باسم اعظم حیف است این ایام نفسی بشیء ونات عرضیه ناظر باشد بایستید بر امر الهی و با یکدیگر بکمال محبت سلوک کنید خالصا لوجه المحبوب حجبات نفسانیه را بنار احدیه محترق نمائید و با وجوه ناضره مستبشره با یکدیگر معاشرت کنید کل سجایای حق را بچشم خود دیده‌اید که ابدا محبوب نبوده که شبی بگذرد و یکی از احبای الهی از این غلام آزرده باشد قلب عالم از کلمه الهیه مشتعل است حیف است باین نار مشتعل نشوید انشآء الله امیدواریم که لیله مبارکه را لیلة الاتحادیة قرار دهید و کل با یکدیگر متحد شوید و بطراز اخلاق حسنه ممدوحه مزین گردید و همتان این باشد که نفسی را از غرقاب فنا بشریعه بقا هدایت نمائید و در میانه عباد بقسمی رفتار کنید که آثار حق از شما ظاهر شود چه که شمائید اول وجود و اول عابدین و اول ساجدین و اول طائفین فو الذی انطقنی بما اراد که اسمآء شما در ملکوت اعلی مشهورتر است از ذکر شما در نزد شما گمان مکنید این سخن وهم است یا لیت انتم ترون ما یری ربکم الرحمن من علو شأنکم و عظمة قدرکم و سمو مقامکم نسئل الله ان لا تمنعکم انفسکم و اهوآئکم عما قدر لکم امیدواریم که در کمال الفت و محبت و دوستی با یکدیگر رفتار نمائید بشأنیکه از اتحاد شما علم توحید مرتفع شود و رایت شرک منهدم گردد و سبقت بگیرید از یکدیگر در امور حسنه و اظهار رضا له الخلق و الامر یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و انه لهو المقتدر العزیز القدیر